تکنیک شروع بحث و جذب توجه ها در حلقه /مثال

گفتم : بچه ها من با خودم یه جایزه آوردم برا اونی که حدس بزنه توی مشتم چی دارم.
مشت بسته ام را بالا آوردم
گفتم هرکی اول حدس بزنه جایزه مال اونه !
شروع کنید ، بسم الله!
یه ولوله ای شد که نگو و نپرس …!
همه بلند بلند حدس شون را می گفتند و من ام با خونسردی کامل فقط می گفتم :
نه نه نخه نخه نخه نخه …!
بنده خدا بچه ها فکر می کردن دارم می گم :نخیر نخیر نخیر
یکی دو دقیقه که حسابی سر کار بودند دستم را باز کردم و موضوع مشخص شد !!!
(نخ) یک قرقره نخ بود !
گفتم : شما تا کی همه اش اینجوری می خواین یه دنده و لجباز باشین و فقط و فقط حرف خودتون را بزنین
نزدیک 20 بار شد که دارم می گم نخه بازم که دارین حرف خودتون رو می زنین
بچه ها وقتی نخ رو دیدن همهمه شروع شد : بابا آره بیچاره حاج آقا که همه ش می گفت نخه
..
کلاسمون شروع شد:
بچه آیا نخ توی قرآن آمده یا نه؟

نخ یا ریسمان
آفرین (حبل) آیه اش چیه؟
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُوا آل عمران:102
تسبیح رو از جیبم بیرون آورم
گفتم بچه ها مگه نخ چقدر ممکنه مهم باشه …
مثلا نخ همین تسبیح (و تسبیح را پاره کردم) … و بعد همه بفکر رفتن!!!
در ادامه در مورد آیه بیشتر صحبت کردیم…